

مهمترین نظریه های غربی بییرامون ترجمه در نیمه دوم قرن**بیستم****نکارش**

کلید واژگان: نظریه ها ، ترجمه ، غربی

نام :- م.م. مهدي أحمد حسين

ادرس :- دانش گاه دی الی / رشتهء امور قانونی

Email: mhdi.a.hussain@uodiyala.edu.iq**البحث بعنوان****اهم النظريات الغربية حول الترجمة في النصف الثاني من القرن العشرين****الكلمات المفتاحية: النظريات ، الترجمة ، الغربية.**

الاسم : م.م. مهدي أحمد حسين

موقع العمل : رئاسة جامعة ديالى / قسم الشؤون القانونية

Email: mhdi.a.hussain@uodiyala.edu.iq**المخلص**

لقد تناول البحث اهم النظريات الغربية حول الترجمة في النصف الثاني من القرن العشرين، والتي كان لها الاثر البارز في تطور فن الترجمة. فقد اشتمل المبحث الاول على نبذة مختصرة عن تأريخ نظريات الترجمة الغربية وتطورها، وتناول المبحث الثاني اهم النظريات الغربية حول الترجمة في النصف الثاني من القرن العشرين والتي اسهمت اسهاماً فاعلاً في تطوير الترجمة، في حين تناول المبحث الاخير دراسة تحليلية نقدية لتلك النظريات وبيان مواطن الضعف والقوة فيها. ومن جملة النتائج التي توصل اليها الباحث: على المترجم ان يسعى جاهداً للاطلاع على كل او معظم نظريات الترجمة لما لها من دور اساسى في انجاح عمله وجعله اكثر فائده. وان المترجم غير ملزم باتباع نظرية واحدة في كافة ترجماته ذلك لان تحديد النظرية الواجب اتباعها يخضع لعدة عوامل منها طبيعة النص والهدف من ترجمته. كما يرى الباحث انه من الضروري ان تتضمن مناهج التدريس في الجامعات او الكليات التي تعنى بتعليم اللغات الاجنبية مادة نظريات الترجمة لانها تساعد المترجم على فهم محتوى النص المراد ترجمته وبالتالي تحقيق الهدف من الترجمة والذي هو نقل نص من لغة الى لغة اخرى بكل ما يحويه من مفاهيم ودلالات لغوية.

پیشگفتار

بر همه وبویژه ارباب فضل پنهان نیست که ترجمه از دیر باز مورد توجه بشر قرار گرفته و نقش مهمی در زندگی انسان و همه جنبه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی میان کشورهای جهان ایفا می کند. و این نقش روز به روز رو به افزایش می دهد، به نحوی که ان را جدایی ناپذیر از زندگی روزمره انسان شد. از این جهت این هنر یا همان طور که بعضی ها به آن علم نام نهادند هم مانند سایر فعالیت های علمی و هنری بشری نیازمند ارایی و نظریه هائی که غرض اصلی آن تعیین روش های مناسب برای ترجمه انواع گوناگون متن است، و نیز انرا نظم می کند تا دشواریها و بیچیدگیهای آن را حل شود، و بالاخره در رشد و پیشرفت آن سهیم داشته باشد. اینجا باید اشاره کرد که از سده اول پیش از میلاد تا روز ما مترجمان و زبان شناسان آراء و نظریه هایی زیادی در مورد ترجمه و مسائل آن مطرح نمودند که تقریباً همه آنان مطلبی اساسی یا تازه در مورد ترجمه ابراز کرده اند، نکته جالب توجه این است که بیشتر نظریات ترجمه از آن تاریخ تا پایان قرن نوزدهم بر این مبحث تکراری و بی حاصل متمرکز شده است که آیا ترجمه باید تحت اللفظی (لغت به لغت) یا آزاد (مفهوم به مفهوم) باشد. اما در قرن بیستم و بالاخص در نیمه دوم از آن نظریه پردازان ترجمه از این بحث بیهوده را (ترجمه تحت اللفظی در برابر آزاد) دور ساختند و آن را به دوره تازه وارد نمودند، به نحوی که خواننده با مفاهیم تازه از قبیل تعادل، سبک فرهنگ، تأثیر مقابل، هدف و غیره رو برو خواهد شد. شایان ذکر است که طی نیمه دوم از قرن بیستم نظریه های زیادی و بی شماری در باره ترجمه از طرف مترجمان و زبان شناسان جهان غربی مطرح شده که نمیتوان انرا در یک یا دو کتاب جمع شود از این جهت پژوهنده با ذکر چند نظریه ای از انها اکتفا کرد که به نظر وی از برجسته ترین نظریه های ترجمه در ان مدت بود و تأثیری بسزائی در ترجمه و پیشرفت آن بر جای گذارده اند. این بحث به سه مبحث تقسیم شده است: مبحث یکم به عنوان درآمدی به تأریخچه نظریه های غربی پیرامون ترجمه بود، مبحث دوم در باره آراء نمونه های از برجسته ترین و مهمترین نظریه های ترجمه که در نیمه دوم قرن بیستم مطرح شده بود، مبحث سوم: پژوهنده سخنی در باره نقد و بررسی نظریه های ترجمه که در مبحث دوم ایراد شده رانده است. در پایان پژوهنده ادعا نمی کند که این بحث کامل و خالی از کم و کاستیها نیست و امیدوارم مورد استفاده مترجمان و متخصصان ترجمه می باشد.

مبحث یکم

درآمدی به تاریخچه نظریه های ترجمه در جامعه غربی

از دیدگاه تاریخی سابقه ترجمه و ترجمه کردن در جامعه غربی به قرن سه قبل از میلاد برده می‌گردد، که بطليموس دوم، پادشاه مصر، از کاهن بزرگ اورشلیم خواست تا وی هفتاد یا هفتاد و دو مترجم را برای ترجمه کتاب شریعت یهودی از زبان عبری به زبان لاتینی برای مردمان یهودی راهی اسکندریه کند. و کار آنان را (ترجمه هفتادی) نامیدند.^۱ اما نظریه ترجمه هم حوزه جدید است و هم نیست؛ گرچه نظریه ترجمه تنها از سال ۱۹۸۳ به عنوان مدخلی جداگانه در کتابشناسی بین المللی انجمن زبانهای نوین آمده است، میتوان گفت که عمرش به قدمت برج بابل است.^۲ چون آثار مربوط به موضوع نظریه های ترجمه که شاخه ای از علم ترجمه (ترجمه شناسی) به شمار می آید به گذشته های بسیار دور تاریخی باز میگردد. مثلاً سیسرو حقوق دان و نویسنده رومی (در سده اول پیش از میلاد) و سنت جروم (در سده چهارم میلادی) به بحث راجع به کار ترجمه پرداخته اند.^۳ و آثار آنان تا سده بیستم تأثیر مهمی گذاشته بود. سیسرو در توصیف ترجمه های خود تأکید بر این داشت که از شیوه تحت اللفظی (کلمه به کلمه) استفاده نکرده است بلکه به عنوان یک واعظ، در آن بود که سبک کلی و تأثیر کلام را حفظ کند.^۴ سنت جروم نیز در توضیح راهبردی که در ترجمه انجیل به کار گرفته بود چنین می گوید: «من به جای ترجمه کلمه به کلمه، از ترجمه معنا به معنا استفاده می کنم» که در مورد سنت جروم باید گفت که رویکرد وی در ترجمه یونانی هفتادگانی تورات به زبان لاتینی، ترجمه های بعدی کتاب مقدس را تحت تأثیر قرارداد. در حقیقت ترجمه کتاب مقدس به مدت بیش از یک هزار سال و خصوصاً در نهضت اصلاح دین در سده شانزده میلادی، به عرصه پیکار ایدئولوژی های مخالف در اروپای غربی تبدیل شد.^۵ جورج استاینر تاریخ نظریه ترجمه را تا زمان یاکوبسن نشخوار ممتد تمایز نظری میان ترجمه صوری (ترجمه ای که انسجام صوری با اصل را رعایت میکند) و ترجمه آزاد (ترجمه ای که برای باسزسازی منظور متن اصلی به لحاظ صوری نو آوری میکند) میدانند. ویلیس بارنستون در این زمینه می گوید: «پیش از قرن بیستم، همه کسانی که با فصاحت بسیار در باره ترجمه مینگاشتند، نظریه ترجمه تولید نمی کردند. بلکه تاریخ اصول و عمل ترجمه را به گونه ای که به ادبیات اطلاق می شد می نوشتند»^۶ ولی در قرن بیستم که قرن ترجمه نامیده می شد، بشریت شاهد

پیدایش سیلابی از نظریه های ترجمه که توسط مترجمان و زبان شناسان ارائه شد، و سهم بسزائی در رشد و پیشرفت کار ترجمه دارد. اما علم ترجمه (ترجمه شناسی) در قیاس با بسیاری از علوم نظیر فلسفه و ادبیات، علمی نو محسوب میشود که برخی از زبانشناسان و نظریه پردازان ترجیح میدهند که قدمت آن حتی به یک قرن هم نمی رسد^۱. مطالعه این رشته یا صرفاً در نیمه دوم سده بیستم به صورت رشته ای دانشگاهی پا گرفت. پیش از آن ترجمه به طور معمول صرفاً جزئی از یادگیری زبان در دوره های آموزش زبان نوین محسوب میشد. انطباق ترجمه با آموزش و فراگیری زبان ممکن است تا حدی معلوم کند که چرا دانشگاه، ترجمه را در درجه دوم اهمیت قلمداد میکرد. تمرین ترجمه، وسیله فراگیری زبان جدید یا قرائت متن زبان خارجی محسوب میشد تا آنکه شخص به چنان توانایی زبانی دست میافت که میتواند متن اصلی خارجی را بخواند. تا زمانی که دانشجو به مهارتهای مورد لزوم قرائت متن اصلی دست نمی یافت مطالعه تمرین ترجمه به طور کلی مورد تأیید قرار نمی گرفت. باین همه باضهور روش مستقیم یا رویکرد ارتباطی در آموزش زبان انگلیسی در ده های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، روش دستور - ترجمه به بی اعتباری فزاینده ای، خاصه در بسیاری کشورهای انگلیسی زبان، دچار شد. اما آثار مربوط به موضوع نظریه های ترجمه که شاخه ای از علم ترجمه (ترجمه شناسی) به شمار می آید همان طور که در صفحه پیش ذکر شد به زمان سیسرو و هوراس (در سده اول پیش از میلاد) و سنت جروم (در سده چهارم میلادی) باز می گردد و پس از آنها ترجمه شناسی به عنوان حوزه علمی برخوردار از نظر، شیوه تحقیق، الگو و واژگان خاص خود در واقع برخاسته از مطالعات، تجربیات و بررسی هایی است همانطوریکه بالا اشاره شد از نیمه دوم قرن گذشته میلادی از سوی مترجمان، مدرسان و نظریه پردازان از زوایای گوناگون صورت گرفته حاصل این مطالعات تکوین مجموعه ای از نظرها و نظریه های ترجمه از حیث خاستگاه و تأثیرپذیری از علوم مختلف و همچنین سیر تحول ترجمه شناسی از نظر به نظریه، جز از راه مطالعه مسیر تکاملی آن میسر نیست. پس از سیسرو و جروم بسیاری از نظریه پردازان از قبیل مارتین لوتر، خانم فلورا آموس، اتین دوله و تیتلر و غیر از آنها نظریه هائی پیرامون ترجمه ارائه داده اند و تأثیر بسزا در ترجمه و پیشرفت آن بر جای گذارده اند. اینجا باید اشاره کرد که مسائل ترجمه تحت اللفظی و آزاد در جامعه غربی تا یک هزار سال

پس از سنت جروم بر اساس ترجمهء کتاب مقدس وسایر متون مذهبی وفلسفی استوار بود. دلمشغولی کلیسای کاتولیک رومی انتقال معانی دیرین ودقیق انجیل در ترجمه بود.^۹ هر ترجمه ای که از تفسیر رسمی مورد قبول کلیسا تخطی مینمود، احتمالاً کفر آمیز تلقی ومحکوم یاقدغن میشد. وبسیاری از مترجمان طبق این قاعده سرنوشتی دردناک در انتظار آنها بود. برجسته ترین آنها اتین دوله نویسنده ومترجم وچاپخانه دار فرانسوی بود که رساله ای باعنوان «اصول ترجمه» منتشر کرد. دانشکده الهیات دانشگاه سوربن در سال ۱۵۴۶ به جرم بدعت گذاشتن در ترجمهء آثار افلاطون وبد ترجمه کردن آنها محاکمه وهمراه با کتابهایش سوزانده شد.^{۱۰} دوله معتقد بود که ترجمه نباید تحت اللفظی باشد، بلکه باید روح ومطلب را ادا کند.^{۱۱}

خلاصهء مطلب هر ترجمه ای غیر تحت اللفظی یا تأیید نشده کلیسا مورد توجه وبعنوان سلاحی علیه آن بکاررفت. مشهورترین نمونه از این دست، ترجمه های بسیار سر نوشت ساز عهد جدید (۱۵۲۲) وبعداً، عهد عتیق (۱۵۳۴) است که مارتین لوتر آنها را به زبان المانی میانه شرقی برگرداند. لوتر نقش اساسی وبرجسته ای در نهضت اصلاح دین ایفا نمود، حال آنکه او از نظر زبان شناسی، گویشی منطقه ای را به کار گرفت که از دیدگاه اجتماعی لهجه ای غلیظ وناروان بود. این گویش راه درازی را پیمود تا توانست آن شکل وساخت از زبان آلمانی را تقویت کند و بصورت معیار در آورد. لوتر در پاسخ به اتهاماتی که به دلیل ایجاد تغییرات در ترجمهء کتاب مقدس به وی وارد شده بود، در متن مشهور (نامه ای همگانی در بارهء ترجمه) در سال ۱۵۳۰ از خود دفاع کرد. انتقاد بسیار مشهور که به لوتر واردگردیده شبیه همان است که به دوله وارد شد.^{۱۲} پل کائر نویسنده ومترجم آلمانی در اواخر قرن نوزدهم می گوید^{۱۳} «ترجمه باید تا آنجا که ممکن است تحت اللفظی وتا آنجا که لازم است آزاد باشد». بیشتر مترجمان اوایل رنسانس اعتقاد داشتند که ترجمه چون زن است؛ اگر زیبا باشد بی وفاست و اگر وفادار باشد زیبا نیست.^{۱۴} افزایش فوق العادهء ترجمه در نیمه دوم از قرن بیستم لزوم تدوین پایه هایی علمی برای این کار را پیش آورد. از این جهت جهان ترجمه شاهد سیلابی از نظریه ها ترجمه شد که آنها تأثیری بسزا در ترجمه وبیشرفت آن بر جای گذارده اند.

وینه و دارلننه کتاب "مقایسه سبکی زبانهای فرانسوی و انگلیسی" را در سال ۱۹۵۸ منتشر ساختند که رویکرد تقابلی داشت و در آن، مواردی طبقه بندی شده بود که این دو نویسنده در تمرین میان زبانهای فرانسوی و انگلیسی مشاهده کرده بودند. در سال ۱۹۵۹ رومان یاکوبسن در مقاله ای تحت عنوان (در باره جنبه های زبان شناختی ترجمه) با دید متفاوتی به ترجمه نگاه میکند، و آن را به سه نوع تقسیم کرد.^{۱۰} شایان ذکر است که از دهه ۱۹۶۰ ترجمه شاهد تحولات نوین در جریان آن بود، و مسأله ترجمه تحت اللفظی کم و بیش دارد از بین میرود و ترجمه آزاد کم کم جای آن گرفت. این تحولات با پیدایش نظریه یوجین نایدا آغاز شد، نایدا دو جلد کتاب تحت عنوان (نظریه و کاربردها) و (به سوی علم ترجمه) نگاشته است. در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نظریه های نقش گرایی و ارتباطی ترجمه در آلمان پیشرفت نمودند که مهمترین آن: نظریه خانم کاتارینا رایس در باره نوع متن و نقش زبان، نظریه خانم یوستا هولمز مانتاری در مورد عمل ترجمه، نظریه اسکوپوس متعلق به هانس ی. ورمیر که بر هدف متن مقصد متمرکز است.^{۱۱} در دهای ۱۹۹۰ نظریه هائی متعلق به تحلیل گفتمان و سیاق سخن ظاهر شد و مهمترین نظریه پردازان آن دوره هالیدی، جولیان هاوس، مونا بیکر، بزیل هتیم ویان میسون بودند. سپس جهان ترجمه در دهای ۱۹۹۰ شاهد ظهور نظریه چند نظامی است، که ایتامارون زوهر آنرا به منصفه ضهور رساند، و از دیگر هواداران این نظریه گدئون توری و چسترمن بودند. پس از نظریه چند نظامی نظریه فرهنگی ترجمه پیدا شد که مهمترین رواد آن: لوفر، شریسایمون، اسپیکو، نیرانجانا و کرونین بودند. سپس نظریه غرابت زدایی و بیگانه سازی توسط لارنس ونوتی در سال ۱۹۹۵ ظاهر شد.^{۱۲}

مبحث دوم

مهمترین نظریه های غربی پیرامون ترجمه

قبل از ارائه کردن برگزید ای از مهمترین نظریه های زبان شناسان و مترجمان غربی باید به این مسئله توجه داشت که اگر چه استفاده از واژه نظریه برای مباحث مربوط به ترجمه، ادعا و دلیلی بر پشتوانه علمی و نظری حوزه ترجمه شناسی محسوب می شود، اما در واقع هر مطلب و دیدگاه مطرح شده در این حوزه را نمیتوان به معنای واقعی، نظریه ترجمه تلقی شود. در حوزه علم، نظریه از تعریف خاص خود برخوردار است و به همین

جهت، مباحث نظری صرفاً در صورت انطباق با این تعریف از ارزش و اعتبار به عنوان یک نظریه علمی برخوردار خواهد بود. نظریه «مجموعه ای از تعریفها و پیشنهادها در باره تعدادی متغیر از به هم پیوسته، که همه این تعریفها و پیشنهادها بعد منظم ومدونی از وقایع و پدیده هایی را که در اثر همبستگی ها و تداخل این متغیرها به وجود می آید، ارائه می دهد»^{۱۸}.

بنا بر این تعریف هر نظریه پرداز با طرح نظریه خود، سعی در ارائه تصویری از روابط درونی بین متغیرها در یک پدیده دارد، واز این طریق به توصیف وتوضیح در خصوص آن پدیده می پردازد وگاه ضمن پیشبینی وقوع پدیده ها، راهکار ودستور العمل نیز ارائه می دهد. چنانچه در تعریف فوق در حوزه ترجمه شناسی مورد قبول باشد، نظریه ترجمه به نظریه ای اطلاق می شود که بتوصیف نظام مند روابط بین متغیرهای ترجمه می پردازد ودر این رهگذر تأثیر هر یک از متغیرها را بر معلول یعنی متن ترجمه شده بررسی میکند.^{۱۹} شایان ذکر است که اصطلاح نظریه ترجمه از تعریف مشخصی برخوردار نیست. غالباً نظریه های ترجمه را طبق سه رویکرد عمده تحت عناوین رویکرد ادبی، رویکرد روان شناسی زبان وشناختی و رویکرد کنش گرا نام می برند به سه نوع نظریه ترجمه تخت عناوین «نظریه ترجمه ادبی»، «نظریه ترجمه روان شناسی زبان وشناختی» و «نظریه ترجمه کنش گرا» مطرح است. اگر چه در مباحث مربوط به ترجمه شناسی بخصوص درحوزه کشورهای انگلستان زبان گاه از نظریه ترجمه صحبت می شود، اما در واقع این حوزه به جای یک نظریه ترجمه از نظریه های گوناگون برخوردار

است. طرح نظریات گوناگون در ترجمه شناسی به ماهیت بین رشته ای آن بر می گردد. از آنجا که ترجمه شناسی با حوزه های علمی مختلفی مرتبط می باشد، بنا بر این ترجمه نیز چه به عنوان محصول وچه بعنوان فرآیند از جهات مختلفی بررسی وتحقیق می شود. از این رو، حوزه ترجمه شناسی شاهد شکل گیری نظریات گوناگونی است که هریک از دیدگاه خاص خود به تبیین وتوصیف بخشی از مباحث مربوط به ترجمه پرداخته است. بنا بر این تقریباً هیچ یک از نظریه های مطرح شده در این حوزه به عنوان یک نظریه تام وجهان شمول از اعتبار برخوردار نیستند. جیان دلیل در این زمینه می نویسد «نظر به اینکه هیچ کدام از رویکردهای نشانه شناختی، زبان شناختی، جامعه شناختی زبان وتطبیقی

موفق به ارائه توضیح جامعی در باره فرآیند ترجمه نشده اند، روشن است که نظریه همگانی ترجمه وجود ندارد»^{۲۰}. در پایان نگارنده در این پژوهش بر انتخابی شماری معدودی از نظریه های سهل الوصول وتأثیر گذار در تاریخ ترجمه که منحصر بین سالهای ۱۹۵۰-۲۰۰۰م تأکید میکنم، علت انتخاب آثار مذکور آن است که آنها تأثیری بسزا در ترجمه و پیشرفت آن بر جای گذارده اند.

۱. نظریه رومان یاکوبسن

رومان آسیبوفتش یاکوبسن یکی از اندیشمندان و زبان شناسان و ناقدان روسی است، سال ۱۸۹۶م در شهر موسکو چشم به جهان گشود، و در سال ۱۹۸۲ در شهر کامبرج وفات یافت. وی در سال ۱۹۵۹ در مقاله ای تحت عنوان (در باره جنبه های زبان شناختی ترجمه) بادی متفاوتی از دیگر زبان شناسان به ترجمه نگاه میکند، و آن را به سه نوع زیر تقسیم میکند^{۲۱}:

ا- ترجمه درون زبانی: که عبارت است از درک و تغییر پیام در یک زبان و بیان آن با عبارات و کلمات دیگری در همان زبان. یا به عبارت دیگر نشان دادن نشانه های یک زبان به جای نشانه های دیگری از همان زبان است. و این گونه از ترجمه کاربرد محدودی دارد که میتوان در توضیح متون کهن و تخصصی بکار برد^{۲۲}.

ب- ب- ترجمه بین زبانی: که عبارت است از تعبیر نشانه های یک زبان بانسانه های زبانی دیگر که همان نوع متداول و شناخته شده ترجمه است. و این گونه از ترجمه کاربرد وسیعی دارد

و کانون توجه مطالعات ترجمه به شمار می آید^{۲۳}.

ت- ترجمه بین نشانه ای یا نشان گشت: که عبارت است از تغییر نظام علائم رمزی اصلی و ارائه پیام به وسیله نظام دیگر مثلاً (تبدیل یک زبان نظام علائم رمزی زبانی) به یک فیلمنامه و یا تبدیل یک نمایشنامه به سیناریو و نظایر آن است^{۲۴}.

یاکوبسن نیز پس از ذکر این سه نوع ترجمه به دومی آن یعنی ترجمه به معنای اخص و رایج آن - ترجمه بین زبانی - که همانطور قبلاً اشاره کرد که میان دو زبان نوشته صورت میگیرد اهتمامی خاصی داد. و بررسی موضوعات کلیدی این نوع ترجمه، خصوصاً معنی زبان و تعادل را پی میگیرد. یاکوبسن متوجه رابطه ای میشود که

سوسور میان دال(نشانه مکتوب یا شفاهی) ومدلول(مفهوم مورد دلالت) توضیح داده بود. دال ومدلول باهم نشانه زبانی را تشکیل می دهند. یاکوبسن سپس به معضل در سرفرین تعادل میان لغات زبانهای مختلف توجه می کند. وی خاطر نشان می کند که طبق معمول هیچ تعادل کاملی واحدهای رمزی وجود ندارد.

توصیف یاکوبسن از ترجمهء میان زبانی همچنین ایجاب می کند که پیامهانه برای واحدهای رمزی جدا، بلکه برای پیامهای کامل زبان دیگر، باید جایگزین شوند. وی در این زمینه چنین می گوید^{۲۵} «مترجم پیامی را که از منبعی دیگر در یافت کرده، ضبط و منتقل می کند. ترجمه مستلزم دو پیام معادل در دو رمز متفاوت است». واحدهای رمزی پیامی که باید در متن مبدأ و متن مقصد معادل باشد، باهم تفاوت دارند زیرا این واحدها به دو نظام (زبانی) نشانه ای مجزا تعلق دارند که واقعیت را به گونه ای متفاوت جدا می کند. یاکوبسن از دیدگاه زبانی و نشانه شناختی با تعریف مشهور خود یعنی تفاوت تعادل، مشکل اصلی زبان و کانون توجه زبان شناسان است به مسئلهء تعادل نزدیک می شود. بدین ترتیب، در توصیف یاکوبسن مسئلهء معنی و تعادل به جای آنکه بر ناتوانی یک زبان در ترجمهء پیامی استوار باشد که در زبان کلامی دیگری نوشته شده است، بر تفاوتی استوار است که در ساختار اصطلاحات زبان وجود دارند. به نظر یاکوبسن، تفاوتی موجود در زبان مرز گذر متوجه صورتهای واژگانی و دستور اجباری است. وی در این زمینه می گوید^{۲۶} «زبانها اساساً در آنچه باید انتقال دهند، باهم تفاوت دارند، نه در آنچه ممکن است یا می توانند انتقال دهند» وی نیز تفاوتها را در سطوح زیر یاد می کند:

الف- سطح جنسیت (مؤنث، مذکر، خنثی). ب- سطح وجه (صرف). ج- سطح حوزه های معنایی یاکوبسن در بارهء ترجمهء شعر عقیده دارد که شعر ترجمه ناپذیر است، زیرا به تغییر صورت خلاق نیاز دارد^{۲۷}.

۲- **نظریهء یوجین نایدا:** یوجین نایدا زبان شناس و مردم شناس برجستهء امریکایی در سال ۱۹۱۴ به دنیا آمده و بخش اعظم عمر خود را وقف ترجمهء کتاب مقدس انجیل به زبانهای گوناگون کرده است^{۲۸}. به طوری که او سر پرست ترجمهء انجیل دانستند^{۲۹}. وی با آغاز دههء ۱۹۶۰ در امریکا نگرشی جدید در خصوص ترجمهء انجیل ارائه داد. نایدا در سال ۱۹۶۴ کتابی تحت عنوان (به سوی علم ترجمه) منتشر کرد که در واقع حاصل

تجربیات او در ترجمه انجیل است، هدف خود را بر توصیف و تحلیل فعالیت‌های مترجم جهت اراده پایه و اساس علمی و نظری برای ترجمه قرار داده است. شایان ذکر است که مطالعات ناپیدا نه تنها بر ترجمه انجیل، که نقطه شروع کار خود بود، بلکه بر بررسی انواع صورتهای متن برای طیف گسترده ای از مقاصد و هدفها نیز بسیار تأثیر گذاشته است.^{۳۰} ناپیدا همان طور که از عنوان کتاب برمی آید، در این رویکرد، ترجمه به مثابه علمی که قابل تحلیل نظام مند است تلقی شده است. و در کارهای بعدی دیگر زبان شناسان و مترجمان از قبیل لارسون (۱۹۸۴-۱۹۹۸) این سنت تداوم یافته است.^{۳۱}

ناپیدا در مورد تعریف ترجمه چنین مینوسد^{۳۲}: «ترجمه عبارت است از پیدا کردن نزدیکترین معادل طبیعی پیام زبان دهنده در زبان گیرنده، نخست از لحاظ معنایی و دوم از لحاظ سبک». بانگاهی کوچک به این تعریف مستقیماً خواهیم دید که میتوان از تعریف فوق حتی در ترجمه جملات مجازی و کنایه ای و ترجمه ضرب المثلهای بکار برد. ناپیدا در واکنش به نگرش علمی سایر رشته های آن عصر، معنی شناسی را «علم معنا» تعریف کرد. به نظر ناپیدا، تحلیل معنا یک مسئله مهم علمی بود، زیرا مترجمان کم تجربه، گاهی اوقات بر اثر پیچیدگیها و ابهامات متن مبدأ، به ویژه چند معنایی ها، معنایهای مجازی و شبه مترادفها دچار سردرگمی میشوند. ناپیدا معنی را به دو بخش تقسیم میکند به شرح زیر است^{۳۳}:

الف: معنی ارجاعی که همان معنی صریح در فرهنگ لغت.

ب: معنی عاطفی که همان واکنش عاطفی که یک واژه در مخاطب ایجاد می کند.

سپس وی روش شناسی ترجمه خود را این گونه خلاصه می کند

«از لحاظ علمی وهم چنین از نظر عملی کارآمدتر است که متن مبدأ را به ساده ترین ساختها و آشکارترین هسته های معنایی آن کاهش دهیم، و معنی را در سطح ساختاری ساده ای از زبان مبدأ به زبان گیرنده منتقل کنیم، و معادل سبکی و معنایی آن را در زبان گیرنده بیان کنیم^{۳۴}».

ناپیدا در بخشی زیر عنوان (الزامات اساسی مترجم) می نویسد: «او نه تنها باید محتوای آشکار پیام را درک کند، بلکه ظرافتهای معنی، ارزشهای عاطفی موجود در واژه ها و خصوصیات سبکی را که به پیام رنگ و بو و احساس میدهند نیز باید در نظر گیرد. به سخن دیگر علاوه بر داشتن معلوماتی در باره دو یا چند زبانی که در فرآیند ترجمه

حضور دارند، مترجم باید آشنایی کاملی با موضوع داشته باشد^{۳۵}. «نایدا در کتاب خود» به سوی علم ترجمه» واژه های کهن نظیر ترجمهء تحت اللفظی، ترجمهء آزاد و ترجمهء امین را کنار گذاشت، و ترجمه را به دو گونهء متضاد صوری و پویا تقسیم می کند که وی این دو را به صورت زیر تعریف کرده است^{۳۶}.

ترجمهء صوری یا تعادل صوری به خود پیام، هم صورت وهم محتوای آن توجه دارد. این مورد معطوف به آن است که پیام در زبان مقصد باید تا جایی که امکان دارد دقیقاً با عناصر دیگر در زبان مبدأ منطبق باشد. بدین صورت ترجمهء صوری دقیقاً باید برای ساختار متن مبدأ طرح گردد که تأثیر قوی بر تعیین درستی وصحت متن اعمال می کند. بارزترین نوع ترجمه، ترجمهء میان سطری هستند که با شباهت زیاد به ساختار متن مبدأ، واغلب با یاداشتهای علمی، این امکان را برای دانشجویان فراهم می کنند که به زبان و آیین فرهنگ مبدأ کاملاً نزدیک شوند.

شایان ذکر است که چنین ترجمه ای را بسیار راحت می توان از طریق ترجمهء معکوس دو باره به صورت متن مبدأ در آورد^{۳۷}. در این گونه از ترجمه، اسم به اسم، صفت به صفت، و فعل به فعل ترجمه شود. در هیچ شرایطی دو جمله به یک جمله و حتی دو کلمه به یک کلمه، و بالعکس ترجمه نخواهد شد. یا به عبارت دیگر کوچکترین دخل و تصرف جایز نیست. و خلاصهء مطلب در این گونه از ترجمه پیام در مقابل صورت رنگ می بازد^{۳۸}.

ترجمهء پویا یا تعادل پویا عبارت است از جستجوی نزدیکترین معادل طبیعی برای پیام زبان مقصد. بنا به این تعریف تعادل پویا مبتنی است بر آنچه نایدا اصل تأثیر معادل می نامد که در آن، رابطهء میان خواننده مقصد و پیام باید اساساً همان رابطه ای باشد که میان خوانندهء مبدأ و پیام وجود دارد. در این ترجمه حرف آخر را پیام می زند. صورت صرفاً وسیله ای است در خدمت پیام. چنانچه لازم باشد، صورت را می توان کم، زیاد، متفاوت و حتی حذف کرد تا خوانندهء به پیام مطلوب دست یابد^{۳۹}. این پیام را باید طبق نیازهای زبانی و توقعات فرهنگی خواننده طرح کرد و آن را متوجه طبیعی بودن عبارت یا جمله نمود. طبیعی بودن، الزامی مهم در نظر نایدا است. زبان متن مقصد نباید مداخلهء زبان مبدأ را نشان دهد، و بیگانگی وضع متن مبدأ باید به طریقی به کمترین حد برسد. موفقیت ترجمه

نزد نایدا بیش از هر چیز بر دست یافتن به پاسخ تعادل مبتنی است. مورد اخیر یکی از چهار الزام اساسی ترجمه محسوب می شود که به طور کلی عبارتند از^{۴۰}:

الف- مفهوم سازی. ب- انتقال روح و شیوه بیان اصلی.

ج- داشتن بیان طبیعی و روان. د- تولید پاسخی مشابه.

۳- نظریه جان کتفورد

جان کتفورد زبان شناس و استاد دانشگاه ادینبورگ انگلیس است، وی در سال (۱۹۶۵) کتاب ((یک نظریه زبان شناختی برای ترجمه)) به رشته تحریر در آورد، او نخستین پژوهشگری بود که اصطلاح «تغییرات ترجمه» در کتاب مزبور خود به کار برد که عبارتند از «دگرگونیهای زبانی مختصری را که بین زبان متن مبدأ و متن مقصد میباشد^{۴۱}». وی در مورد تعریف ترجمه چنین میگوید^{۴۲} (جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ به وسیله عناصر متنی زبان مقصد). و وظیفه مترجم را برقراری معادل عناصر متنی زبان مبدأ در زبان مقصد میداند. وی نیز هم مانند یاکوبسن ترجمه را به سه نوع تقسیم میکند بشرح زیر است^{۴۳}:

۱. ترجمهء کامل در مقابل ترجمهء ناقص: در اینجا معیار تقسیم بندی میزان و مقدار عناصری

از متن زبان مبدأ است که ترجمه میشود. اندازهء یک متن باتوجه به شرایطی و نیازهای ارتباطی ممکن است بین یک جملهء ساده یا یک پاراگراف، یا فصل کتاب و یا یک یا چند جلد کتاب تغییر بکند. در ترجمهء کامل تمام یک متن تسلیم عمل ترجمه می گردد، یعنی تمام قسمتهای متن زبان مبدأ به وسیلهء مواد متنی زبان مقصد جایگزین میشود. در حالیکه در ترجمهء ناقص بعضی قسمتهای متن زبان مبدأ عیناً به متن مقصد منتقل میگردد. علت این عدم ترجمه میتوان به ناپذیری ترجمه بودن یک عنصر زبان مبدأ مثلاً به سبب نبودن معادل شناخته شده و یا به روش یا تاکتیک ویژهء یک مترجم و یا ضرورتهای پیامی متن مربوط نسبت داد یا جریحه دار ساختن احساسات خوانندهء متن ترجمه شده میباشد^{۴۴}.

۲. ترجمهء کلی در مقابل ترجمهء محدود: معیار این تقسیم بندی سطوح ساختمانی زبان است. همان طوریکه همه میدانند زبان شناسان نظام هر زبان جهت اسودگی امر

توصیف ومطالعه به سطوح گوناگون از قبیل واج شناسی، واج آرائی، تکواژ شناسی، نحو، نگاره شناسی وغیره تقسیم میکند وهر یک از آنها را جداگانه مورد بحث وبرسی قرار میدهند. در ترجمهء محدود، جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ توسط عناصر متنی زبان مقصد در همهء سطوح ساختمانی صورت نمی گیرد. اما در ترجمه کلی عمل جایگزینی عناصر متنی در کلیهء سطوح از نگاره شناسی گرفته تا سطوح معنایی وکاربردی انجام میگردد. مثلاً به این سه ترجمه از جملهء (علم الاصوات هو دراسة النظام الصوتي للغة) نگاه کنید:

الف- علم الاصوات عبارت است از مطالعهء نظام صوتی زبان است.

ب- آواشناسی عبارت است از مطالعهء نظام صوتی زبان است.

ج- مطالعهء نظام صوتی زبان را آواشناسی می گویند.

در ترجمه الف یک کلمات «علم الاصوات» و «نظام» ترجمهء محدود بشمار میرود، چون در سطح معناشناسی امر جایگزینی صورت نگرفته است. ودر ترجمه ب کلمات فارسی «آواشناسی» و «نظام» جایگزینی کلمات عربی شده است، اما جایگزینی در سطوح «نحو» صورت نگرفته است. اما ترجمه (ج) ترجمه کلی است.

۳- ترجمهء آزاد در مقابل ترجمهء وابسته: معیاری که کتفورد برای این تقسیم بندی برگزیده مرتبهء ساختمانی زبان میباشد که آنرا از دستور سیستمیک هالیدی گرفته است. این سیستم یادستور جمله ساده را بنیادی ترین واحد متن میداند وعناصر ساختمانی آنرا به پنج دسته میکند^{۴۵} تقسیم: فاعل، فعل وقید است. اگر در جریان ترجمه، فرایند جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ باتوجه به کل محتوا وپیام وبدون در نظر گرفتن مراتب واحدهای ساختمانی زبان مبدأ انجام گیرد ترجمهء آزاد نامیده میشود. ولی اگر مترجم سعی کند مراتب مختلف زبان مبدأ را بدون تغییر به زبان مقصد منتقل کند یعنی کلمه را به کلمه، عبارت را به عبارت، جملهء ساده را به جملهء ساده، جملهء غیر ساده را به جملهء غیر ساده ومتن را به متن ترجمه کند، چنین ترجمه ای ترجمه وابسته نامیده میشود^{۴۶}. شایان ذکر است که اصطلاحات متداولی از قبیل «ترجمهء آزاد»، «ترجمهء تحت اللفظی» و «ترجمهء کلمه به کلمه» که در مورد تقسیم انواع ترجمه به کار میرود تا حدودی باتقسیم بندی مزبور رابطه دارد. بدین ترتیب که ترجمهء کلمه به کلمه همان ترجمهء وابسته در مرتبهء کلمه است.

ترجمه آزاد ترجمه ای است غیر وابسته که در انتخاب معادل هیچ گونه محدودیت مرتبه ای برای آن وجود ندارد و ترجمه تحت اللفظی که حد واسط این دو نوع ترجمه است و در آن ترجمه کلمه به کلمه با تغییرات مختصری برحسب دستور زبان مقصد اجرا می گردد.

۴- نظریه بیتر نیومارک

پیتر نیومارک نظریه پرداز سرشناس ترجمه و رئیس انیستیتوی زبان شناس انگلستان در سال ۱۹۱۶ چشم به جهان گشود. او در مرکز مطالعات زبان و ترجمه دانشگاه ساری در انگلستان تدریس کرد. نیومارک کتابها و مقالات زیادی پیرامون ترجمه نوشته و ترجمه کرده است. از جمله کتابهای وی «روشهای ترجمه-۱۹۸۱-»، «درسنامه ترجمه-۱۹۸۸-»، «یاداشتهائی در باره ترجمه-۱۹۸۵-»، «یاداشتهائی دیگر در باره ترجمه-۱۹۸۸-» و «در باره ترجمه-۱۹۹۱-» و جایزه انجمن زیانشناسی کاربردی بریتانیا در سال ۱۹۸۸ به کتاب درسنامه ترجمه تعلق گرفت.^{۴۷}

نیومارک در مورد تعریف نظریه ترجمه چنین می نویسد «مجموعه ای از اطلاعات در خصوص فرآیند ترجمه است، که در زمان حال در اختیار متخصصان و علاقه مندان قرار دارد و یا در آینده از سوی متخصصان ارائه خواهد شد»^{۴۸} اما در مورد تعریف ترجمه چنین مینوسد «ترجمه را فن و حرفه ای میدانند که طی آن سعی میشود یک پیام نوشتاری در زبانی را با همان پیام در زبان دیگر جایگزین بکنند»^{۴۹} وی در کتاب «روشهای ترجمه» ترجمه را با توجه به نوع متن و اینکه هدف ترجمه، گرایش به نویسنده متن اصلی است یا خواننده متن ترجمه شده به دو نوع «ترجمه پیامی یا ارتباطی» و «ترجمه معنایی» تقسیم کرد.^{۵۰} او در بیان نوع اول چنین میگوید «ترجمه پیامی می کوشد بر خوانندگان تأثیری مشابه با تأثیر وارد شده بر خوانندگان متن اصلی بگذارد» اما در بیان نوع دوم چنین میگوید «ترجمه معنایی سعی میکند تا آنجا که ساختار معنایی و نحوی زبان مقصد اجازه میدهد عین معنای اصلی را ارائه کند»^{۵۱}. طبق این دو تعریف ترجمه پیامی به خواننده توجه دارد و از زبانی روان و طبیعی برخوردار بوده، متمایل به زبان مقصد، به معنی ساده تر ویژگیهای ترجمه آزاد را دارد. شایان ذکر است که پیتر نیومارک در باره ترجمه آزاد چنین می گوید^{۵۲} «ترجمه آزاد موضوع جدای از حالت یا به عبارتی محتوی، بدون قالب متن اصلی باز نویسی می شود معمولا ترجمه آزاد باز گفته ای است

که طولانی تر از متن اصلی است. و در اصطلاح به ترجمهء (میان زبانی) گفته می شود و اغلب طولانی و پر تکلف است و اصلاً ترجمه نیست و خواننده شک می کند که آنچه که میخواند از نویسنده یا از مترجم» اما ترجمهء معنایی به متن وفادار است، متمایل به زبان مبدأ، به معنی ساده تر ویژگیهای ترجمهء تحت اللفظی را دارد^{۵۳}. نیومارک در مورد تفاوتی که میان هر دو نوع ترجمهء مزبور چنین میگوید^{۵۴} «ترجمهء معنایی معمولاً موجز، ناهموار، نامأنوس و احياناً مبهم است. و مترجم هیچ دخل و تصرف در آن ندارد و ویژگیهای دستوری زبان مبدأ وارد زبان مقصد میشود. از این جهت خواننده احساس می کند که با مفاهیم وزبانی غیر معمول روبروست. اما ترجمهء ارتباطی، غالباً از متن ترجمه شده مفصلتر میباشد، زیرا مترجم سعی می کند مفهوم را در قالب نثری روان به خواننده منتقل کند و به همین دلیل گاه ناگذیر می شود در آن دخل و تصرف کند. از این رو خواندن ترجمهء ارتباطی، سریع و راحت صورت می گیرد. در ترجمهء معنایی، ویژگیهای فرهنگی زبان مبدأ در نثر ترجمه انعکاس می یابد، به معنی دیگر ترجمه در چهارچوب فرهنگ متن مبدأ باقی می ماند. اما در ترجمهء ارتباطی، عناصر فرهنگی متن مبدأ به ترجمه انتقال نمی یابد بلکه جایگزین عناصر فرهنگی آشنا برای خواننده می شود. یا به عبارت دیگر مترجم سعی میکند متن ترجمه شده را با جامعهء فرهنگی زبان مقصد ارائه کند. در شیوهء معنایی ضعفها و کاستیها و بی توجهی نویسنده در زمینه ساخت دستوری و کاربرد کلمات و تعابیر در ترجمه منعکس می شود و خواننده متن ترجمه شده می تواند نامتعارف بودن دستوری یا واژگانی جمله را تشخیص دهد. اما در شیوهء ارتباطی این ضعفها و کاستیها و بی توجهی نویسنده از بین می برد، چون در این شیوهء از ترجمه، مترجم خواننده را در نظر می گیرد و سعی میکند پیام را صریح و روشن به او منتقل کند». در پایان نیومارک خاطر نشان ساخت که ویژگی برخی از متون اقتضا میکند، بخشی از متن به صورت معنایی و بخش دیگر به صورت ارتباطی ترجمه شود^{۵۵}. اما در مورد واحد ترجمه او معتقد است در غالب موارد، ترجمه در سطح کلمه و بند صورت می گیرد و تازمانی که ضرورتی برای تجدید نظر در ساختار جمله پیش نیاید، واحدهای بزرگتر خود به خود از ترکیب واحدهای کوچکتر به دست می آید و هر چه واحد ترجمه کوچکتر باشد، ترجمه ما را به اصل نزدیکتر می کند و تصویری دقیق تری از واقعیت متن به ما می دهد^{۵۶}.

٥- نظریه ژان پل وینه وژان داربلنه: ژان پل وینه وژان داربلنه هردو زبان شناس و نظریه پرداز ترجمه هستند. الگویی که ایشان مطرح نموده اند طی سالیان متمادی تأثیری چشمگیری بر نظریه ترجمه داشته است.^{٥٧} شهرت ایشان بیش از همه مدیون روشهای هفتگانه ترجمه متون ادبی هستند که سال ١٩٥٨ در کتاب «سبک شناسی تطبیقی فرانسه وانگلیسی» مطرح کرده اند.^{٥٨} این اثر در میان نظریات ترجمه جایگاه ویژه دارد، تأثیر آن به حدی است که ترجمه شناسان ترکیبهای زبانی گوناگون نیز از روش آن الگو گرفته و بر اساس آن کتاب خود را منتشر نموده اند. کتاب مزبور در این میان، اساس کار به شیوه قبل را ترجمه فرانسوی به المانی «مقایسه نحوی زبان فرانسوی با زبان المانی ١٩٦٣» و نیز در دو کتاب ترجمه انگلیسی به اسپانیایی، یعنی «در آمدی بر ترجمه شناسی ١٩٧٧» اثر باسکس ایورا و «نظریه عمل ترجمه ١٩٨٢» اثر گارسیا بیرا، بنیاد گذارد.^{٥٩} وینه و داربلنه زبانهای انگلیسی و فرانسوی را مورد تحلیل نحوی تطبیقی قرار داده اند. آنان متون موجود در این دو زبان را بررسی کردند و متوجه تفاوتهای میان دو زبان شدند. وینه و داربلنه دو راهبرد کلی ترجمه تشخیص دادند، که عبارتند از «ترجمه صریح» و «ترجمه ضمنی» است. که شبیه تقسیم بندی ترجمه «تحت اللفظی» در برابر ترجمه «آزاد» است. دو راهبرد مزبور شامل هفت روال هستند که «ترجمه صریح» سه تای آنها را در بر می گیرد بشرح زیر است:^{٦٠}

١. وامگیری: در این روش، لغت زبان مبدأ عیناً به زبان مقصد منتقل می شود. تا خلاء معنایی موجود در زبان مقصد پر کنند. گاهی اوقات لغات به وام گرفته می شوند تا بر حال و هوای بومی زبان بیفزایند. اینجا باید اشاره کرد که مترجمان و زبان شناسان در برابر روال «وامگیری» دو نظر متضاد دارند، برخی میگویند که وامگیری موجب غنای واژگان زبان مقصد میباشد اما قسمت دیگر ادعا میکنند که وامگیری موجب ورود اصطلاحات و عبارات نامأنوس میباشد.^{٦١}

٢. ترجمه قرضی: نوع خاصی از وامگیری است که عبارت یاساختار زبان مبدأ به صورت تحت اللفظی برگردانده می شد. وینه و دار بلنه متوجه شدند که هم وامگیری وهم ترجمه قرضی اغلب به طور کامل در زبان مقصد ادغام می شوند، هر چند

گاهی تغییر معنایی اندکی هم می یابند که می توان آنها را به واژه های فریبکار تبدیل کرد.

۳. ترجمه تحت اللفظی: ترجمه ای لغت به لغت است که وینه وداربلنه آن را معمول ترین ترجمه میان زبانهای هم خانواده وهم فرهنگ، توصیف میکنند. آنها برای برگرداندن مناسب یک متن، روش ترجمهء تحت اللفظی را پیشنهاد می کنند، و میگویند^{۶۲} «نتها به دلیل الزامات فرا زبانی وساختاری وپس از بررسی اینکه معنی کاملاً حفظ شد، میتوان ترجمه تحت اللفظی را زیر پا گذاشت». اما آنان اذعان می کنند که مترجم امکان دارد ترجمهء تحت اللفظی را ناپذیرفتنی بداند^{۶۳}، زیرا:

الف- معنایی متفاوت به دست دهد. ب- معنایی ندارد. ج- بنا به دلایل ساختاری، غیر ممکن است. در تجربهء فرا زبانی زبان مقصد، عبارت مشابهی ندارد. د- با چیزی در سطح متفاوتی از زبان، مطابقت دارد.

وینه ودار بلنه می گویند هر گاه در مورد فوق، ترجمهء تحت اللفظی امکانپذیر نباشد، باید از راهبرد «ترجمهء ضمنی» استفاده کرد. این نوع ترجمه شامل چهار روال دیگر است.

۱. تغییر صورت: در اینجا اجزای سخن بی آنکه معنیشان تغییر کنند، به جای اجزای

سخن

دیگر می نشینند. تغییر صورت در برخی از موارد اجباری ودر موارد دیگر اختیاری میباشد.

۲. تغییر بیان: در اینجا معنا شناسی ودیدگاه زبان مبدأ تغییر می کند. تغییر بیان هم

مانند تغییر صورت در برخی از موارد اجباری ودر موارد دیگر اختیاری

میباشد. وینه ودار بلنه برای تغییر بیان به مثابهء محک مترجم کاردان ارزش

زیادیقایل هستند، حال آنکه تغییر صورت صرفاً سلطه بسیار مطلوب زبان مبدأ را

نشان می دهد. تغییر بیان در سطح پیام به موارد زیر تقسیم میشود.

أ- انتزاعی به جای عینی، ب- علت به تأثیر، ج- جزء به کل، د- جزء به جزء دیگر،
ذ- وارونه سازی اصطلاحات، ر- نفی متضاد، ز- معلوم به مجهول، س- مکان به جای
زمان، ش- تجدید نظر در فاصله ها وحدود(در مکان وزمان)، ص- تغییر نماد(شامل
استعاره های ثابت وتازه).

۱. تعادل: وینه وداربلنه از این اصلاح برای اشاره به مواردی استفاده می کنند که زبانها

با ابزار ساختاری یانحوی مختلف، موقعیتی یکسان ومشابه را توصیف می

نمایند. تعادل خصوصاً در ترجمهء اصطلاحات وضرب المثل ها مفید است.

٢. اقتباس: این مقوله مستلزم تغییر مرجع فرهنگی است مثل، وقتی که موقعیتی موجود در فرهنگ مبدأ، در فرهنگ مقصد وجود نداشته باشد.

اما در مورد مرحله های ترجمه آنان پنج مرحله ای به مترجم ارائه داده اند تا میتواند از متن مبدأ به متن مقصد حرکت کند. و این پنج مرحله عبارتند از:

أ- شناخت واحدهای ترجمه. ب- بررسی متن زبان مبدأ و ارزیابی محتوای توصیفی، عاطفی، وفکری واحدهای یاد شده. ج- بازسازی بافت فرزبانی پیام. د- ارزیابی تأثیرات نحوی. ذ- ولید و اصلاح متن مقصد.

شایان ذکر است که آنان تک لغات را به عنوان واحد ترجمه نمی پذیرند، بلکه واحد ترجمه را ترکیبی از واحد واژگانی و واحد تفکر می دانند و آن را این گونه تعریف می کنند^{٦٤} «واحد ترجمه کوچک ترین بخش عبارت که در آن وحدت میان اجزای تشکیل دهنده چنان است نمی توان هر جزء را جداگانه ترجمه کرد».

٦- نظریه اسکوپوس

اسکوپوس، لغتی یونانی است به معنی «هدف» یا «مراد»، و در دهه ١٩٧٠ هانس ی. ورمیر آن را به مثابه اصطلاحی برای مقصود و مراد ترجمه و عمل ترجمه ارائه نمود. مهمترین اثر مکتوب در مورد نظریه اسکوپوس کتابی است با عنوان «شالوده نظریه عام ترجمه» که ورمیر آنرا به اتفاق خانم کاترینا رایس در سال ١٩٨٤ نوشت^{٦٥}. اگر چه نظریه اسکوپوس مقدم بر نظریه عمل ترجمانی خانم هولز مانتاری است، میتوان آنرا بخشی از همان نظریه دانست. زیرا عمل ترجمانی را مورد بحث قرار می دهد که مبتنی بر متن مبدأ است و باید مورد گفتگو قرار بگیرد و آنگاه انجام شود و دارای هدف و نتیجه است. نظریه مزبور مخصوصاً معطوف به مقصود و هدف ترجمه است که روش ترجمه کردن را تعیین می کند و بنا بر این باید تدابیری اتخاذ کرد تا نتیجه ای عملاً مناسب و مطلوب به دست آید. نتیجه مذکور همان متن مقصد است که ورمیر آنرا ترجمه غرض مدار می نامد. بنا بر این، در نظریه اسکوپوس دانستن اینکه چرا متن مبدأ بایستی ترجمه شود و نقش متن مقصد چیست، مسائل مهم و ضروری برای مترجم هستند. همان طور که از عنوان کتاب رایس و ورمیر بر می آید، آنان نظریه عام ترجمه کل متون را هدف بحث خود قرار داده اند. نظریه اسکوپوس مبتنی بر شش قاعده است بشرح زیر است^{٦٦}:

- ١- ترجمه غرض مدار (یا متن مقصد) به وسیله اسکوپوس یا مراد آن تعیین می شود.
 - ٢- متن مقصد در واقع اطلاعات دهی در فرهنگ مقصد است و زبان مقصد مربوط به اطلاعات دهی فرهنگ و زبان مبدأ می باشد.
 - ٣- متن مقصد اطلاعات دهی را به شکل کاملاً برگشت پذیری آغاز نمی کند.
 - ٤- متن مقصد باید ذاتاً منسجم باشد.
 - ٥- متن مقصد باید با متن مبدأ همانگ باشد.
 - ٦- پنج قاعده فوق بانظم سلسله مراتبی قرار گرفته اند و قاعده اسکوپوس بر آنها تسلط و برتری دارد.
- در اینجا کمی توضیح لازم است. قاعده ٢ از آن جهت مهم است که متن مبدأ و مقصد را به ترتیب در بافتهای فرهنگی و زبانی شان به هم ارتباط دهد. مترجم بار دیگر در فرآیند ارتباط میان فرهنگی و پدیدآوردن ترجمه غرض مدار نقش آفرین اصلی است. برگشت ناپذیری در قاعده ٣ حکایت از آن دارد که نقش ترجمه غرض مدار در فرهنگ مقصد خودش، لزوماً هم مانند نقش آن در فرهنگ مبدأ نیست. قواعد ٤ و ٥ به قواعد عام اسکوپوس اشاره دارند مبنی بر اینکه چگونه نتیجه مطلوب عمل و انتقال اطلاعات باید مورد قضاوت قرار گیرد. یعنی قاعده انسجام کنشی به انسجام کنشی درون متن اتصال داده شده و قاعده وفاداری به انسجام کنشی بین متنی با متن مبدأ اتصال داده شده است.
- رایس و ورمیر در باره قاعده انسجام کنشی و قاعده وفاداری چنین می گویند^{٦٧} «انسجام کنشی بیانگر آن است که متن مقصد باید تفسیر پذیر باشد همان گونه که با موقعیت مخاطبانش در متن مقصد هماهنگ است» اما در مورد قاعده وفاداری چنین می گویند «قاعده وفاداری صرفاً بیانگر آن است که میان ترجمه غرض مدار و متن مبدأ یا خصوصاً بین موارد زیر باید انسجام کنشی وجود داشته باشد».
- ا- اطلاعات متن مبدأ که مترجم دریافت کرده.
 - ب- تفسیر مترجم که این اطلاعات را می سازد.
 - ث- اطلاعاتی که برای مخاطبان متن مقصد رمزبندی می شود.

٧- نظريهء لارنس ونوتى

دو اصطلاح آشنایى زدایى و غرابت زدایى را لارس ونوتى (١٩٩٥) در كتاب «نامرئى بودن مترجم» توضیح داده است.^{٦٨} او ترجمه را به دو روش (غرابت زدایى و آشنایى زدایى) تقسیم می کند. شایان ذکر است که ونوتى ریشهء دو روش مزبور از مقالهء اشلاير ماخر در ١٨١٣ با عنوان «در باب روشهاى مختلف ترجمه» بر گرفته است.^{٦٩} وی معتقد است که گاهى ترجمه را بر اساس ارزش هاى غالب در فرهنگ خودى صورت می گیرد. در این جا مترجم روشى محافظه کارانه در پیش می گیرد تا متن را در فرهنگ خودى جذب کند او با در نظر گرفتن قوانین حاکم بر چاپ ونشر در کشور در متن چندان تصرف می کند تا متن با اصول سیاسى و ارزشهاى فرهنگى خودى سازگار شود. وی این روش ترجمه را ترجمه اى غرابت زدایى می نامد. وی در ادامه می گوید «گاه مترجم در برابر اصول وقوانین و ارزشهاى غالب در فرهنگ خودى مقاومت می کند و به ترجمهء متونى می پردازد که فرهنگ خودى آنها را نمى پذیرد، و با این کار راهى نو مى گشاید و ارزش هاى جدید ایجاد می کند. پس ترجمه اساساً پاسخ به نیاز فرهنگ خودى است. ولی گاه مترجم به عمد بر متن خارجى جامهء خودى می پوشاند و گاه از ارزشهاى غالب در جامعه فاصله مى گیرد تا تفاوت زبانى و فرهنگى میان متن مبدأ و ترجمه را حفظ کند و با این کار به ترجمه جلوه اى خارجى ببخشد که از آن با عنوان آشنایى زدایى نام می برد».^{٧٠} ونوتى اصطلاح غرابت زدایى را با دید مثبت به کار نمى برد. زیرا روش غرابت زدایى روش متداول ترجمه در فرهنگ متکبر امریکاست، فرهنگى که به زبان ها و فرهنگ هاى دیگر اعتناى ندارد. و مایل است همه چیز را به زبان روان و آشنای خود بخواند، مترجمى که به این روش ترجمه مى کند (نامرئى) است چون اصلاً وجودش در متن ترجمه احساس نمى شود. خواننده احساس نمى کند متنى را که مى خواند ترجمه است. در این روش مترجم اولاً متنى را برای ترجمه بر مى گزیند که بتوان به سهولت آن را به روش بومى سازى ترجمه کند. ثانیاً متن را به زبان وسبکى روان ترجمه مى کند تا ترجمه بودن متن را از چشم خواننده پنهان کند طبیعى است برای ایجاد سبکى روان و مطابق با روان و مطابق با انتظارات و سلیقهء خواننده، در این صورت مترجم ناگزیر است چیزهاى بر متن افزوده و یا از آن کم کند.^{٧١} روش آشنایى زدایى مستلزم انتخاب متن مناسب و اتخاذ روش مناسب برای ترجمه آن است. روشى که

مغایر با ارزشهای فرهنگی و ادبی حاکم باشد. در این روش مترجم عمداً قراردادهای زبانی زبان مقصد را نقض کرده و بخشی از ویژگیهای زبانی متن اصلی را به ترجمه انتقال می دهد به نظر ونوتی این روش مناسب جوامع امریکایی است که روش غالبش در ترجمه روش غرابت زدایی است. مترجم با به کار گرفتن روش آشنایی زدایی می تواند در این جوامع شوک فرهنگی وارد کند. در روش آشنایی زدایی مترجم پایبندی مطلق به قراردادهای زبانی و متن فرهنگ مقصد نشان نمی دهد و در مواردی کلمات فرهنگی زبان مبدأ را عیناً به متن ترجمه وارد می کند و در نهایت سبکی می آفزاید که روان و متعارف نیست به طوری که خواننده احساس می کند متن متعلق به زبان و فرهنگ دیگر است.^{٧٢}

مبحث سوم

نقد و بررسی نظریه های غربی پیرامون ترجمه

از مجموع آنچه که در مبحث پیشین بیان شد چنین بر می آید که هر یک از نظریه پردازان مزبور از منظری ویژه به ارائه نظریات و اندیشه های خویش پرداخته اند. پس نگارنده در این پژوهش بر انتخابی شماری از نظریه های سهل الوصول و تأثیر گذار در تأریخ ترجمه تأکید میکند، از قبیل نظریه های، کتفورد، نایدا، یاکوبسن، نیومارک، و غیره، علت انتخاب آثار مذکور آن است که آنها تأثیری بسزا در ترجمه و پیشرفت آن بر جای گذارده اند.

رومان یاکوبسن ترجمه را به سه نوع- درون زبانی، بین زبانی و و بین نشانه ای- تقسیم کرده و منظورش از ترجمه به اصطلاح خاص را ترجمه بین زبانی عنوان می کند. به نظر وی در هر سه نوع مزبور بحث تعادل و معادل دقیق در زبان مبدأ و مقصد وجود ندارد و چنانچه در ترجمه درون زبانی برای یک کلمه چندین مترادف ذکر می شود، باز هم برای هر یک از اینها در ترجمه بین زبانی چندین واژه مترادف دیگر معادل آورده می شود در حالی که هر کدام از آن واژگان معنای دقیق خود را دارند و معادل دقیق و درستی برای معادل ترجمه ای خود محسوب نمی شود وی با عنوان این مطلب می آفزاید چون برابری دقیق به معنای مترادف در هیچ یک از انواعی که او ذکر کرده است وجود ندارد ترجمه شعر را از لحاظ فنی غیر ممکن می شمارد.

نقش مهم نایدا آن است که مسیر ترجمه را از تعادل محض لغت به لغت منحرف ساخت. وسلطهء کلیسا را که قرن‌ها بر ترجمه حاکم بود شکست. عقایدی که او در باره تعادل صوری و پویا مطرح نمود، در اشاعه جهت‌گیری خواننده بنیاد در نظریهء ترجمه بسیار حیاتی و تأثیر گذار بود. نایدا تأکید خود را بر تأثیر ترجمه در مخاطب و واکنش وی در قبال متن ترجمه شده قرار داد. به عقیده وی، ترجمه وفادار ترجمه ای است که همان واکنشی را در خواننده ایجاد می‌کند که متن اصلی در خواننده خود ایجاد کرده است. و این واکنش به طور محسوس وابسته به بافتار فرهنگی است که خواننده در آن پرورش یافته است به عبارت دیگر، خواننده معنای متن را بر اساس تجربیات خود از محیط فرازبانی درک می‌کند و به آنها واکنش نشان می‌دهد. از این رو، نایدا اصطلاح «هم ارز بودن» را در مقابل «یکسان بودن» مطرح می‌سازد و معتقد است که در ترجمه هم ارز بودن متن اصلی و متن ترجمه رسیم که اگر متن ترجمه شده بازبان و فرهنگ جامعه مقصد نیز انطباق داشته باشد، از نظر کارکرد و تأثیر بر مخاطب، معادل متن مبدأ خواهد بود.^{۷۳} دو گونهء متضاد صوری و پویا که نایدا تقسیم کرده بود میتوان ترجمه خط به خط یا واژه به واژه یا تحت اللفظی و ترجمه آزاد-خواننده مدار، مقصد گرا تعبیر کرد. در قسمت اول-تعادل صوری- مترجم هم به صورت عبارت اصل وهم به محتوای آن توجه می‌کند و ویژگیهای صوری متن اصلی را به متن زبان مقصد منتقل می‌کند، اما در قسمت دوم- تعادل پویا- هدف مترجم سعی بر روان سازی متن و بومی سازی آن برای اسان کردن خواندن متن در زبان مقصد صورت می‌گیرد. باین همه، هم اصل تأثیر معادل وهم مفهوم تعادل به دلایلی چند، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته اند. لوفور (۱۹۹۳) بر آن است که تعادل هنوز هم بیش از حد به سطح لغت می‌پردازد^{۷۴}، در حالی که ون دن بروک (۱۹۷۸) و لاروس (۱۹۸۹) تأثیر معادل یا پاسخ را امری غیر ممکن می‌داند و میگویند «تأثیر را چه کسی و چه گونه می‌سنجد؟ متن احیاناً چگونه می‌تواند در دو فرهنگ و زمان کاملاً متفاوت تأثیری هم داشته و واکنشی همانند را در خواننده بر انگیزد؟». نکته جالب توجه آن است که بحث انتقادات نظریهء نایدا تا دههء ۱۹۹۰ در نشریات معتبر و مهم ترجمه ادامه داشت. یکی از سختگیرترین منتقدان نایدا، ادوین گنتزler است که در کتابش «نظریه های ترجمه در عصر حاضر» (۱۹۹۳) حاوی فصلی است راجع به علم ترجمه. گنتزler که از

منظر فردی ساخت شکن کار می کند، کار نایدا را به سبب دیدگاه مذهبی والهی اش، با این تصور کلی بی ارزش می داند که بزعم وی تعادل پویا در صدد است اعتقادات خوانندگان را بدون در نظر گرفتن فرهنگشان، به گفتمان مسلط آراء و کلام مسیحیت، پروتستان سلطه گر تغییر دهد. برای مثال کنترلر به طنز می گوید^{٧٥} « نایدا (بره) را به (فک) و (خوک) ترجمه می کند تا پیام خدا را به گوش مؤمنان برساند» نکته جالب توجه آن است که نایدا مورد انتقاد و سرزنش برخی گروههای مذهبی نیز قرار گرفت که معتقد بودند خدا، کلمه ای

مقدس و غیر قابل تغییر است و بدین ترتیب تغییراتی که برای دست یافتن به تعادل پویا ضروری اند، توهین آمیز به نظر می رسند^{٧٦}. ولی آنچه باید گفت این است اغلب ترجمه هایی که در ادوار گذشته از انجیل که بشیوه لفظ به لفظ و بین سطری صورت گرفته بود، و علی الرغم تمام دقت و وسواس مترجمان در انتقال کامل محتوا و بیان انجیل، گاه آن متون ترجمه شده فاقد توانایی انتقال صحیح مفاهیم و مضامین الهی به مخاطبان و در نتیجه فاقد تأثیر بر آنها بوده اند، به گونه ای که برخی از اقوام، با خواندن انجیل، حقیقت پیام الهی را آن گونه که باید درک نمی کند^{٧٧}.

با این همه، نایدا- که در دهه ١٩٦٠ در این رشته کار می کرد و هر روز با مشکلات عملی و واقعی ترجمه سروکار داشت و مترجمان را آموزش می داد تا بتوانند در فرهنگهای بسیار متفاوت نیز کار کنند- سر انجام به همان چیزی دست یافت که بعضی از پیشینیانش تلاش می کردند به اثبات برسانند، او توفیق یافت روش تحلیلی نظام مندی را برای مترجمانی که با همه گونه متنی سروکار دارند، به وجود بیاورد و سپس خوانندگان متن مقصد و انتظارات فرهنگی آنان را در معادله ترجمه منظور نماید. با وجود بحث داغی که این نظریه مطرح ساخت، رویکرد زبانی نظام مند نایدا به ترجمه بر بسیاری صاحب نظران نامی این عرصه مانند پیتربیومارک انگلیسی و ورنر کلمانی، اثر گذاشت. در پایان دستاورد بزرگ نایدا آن بود که نظریه ترجمه را از بحث بیهوده ترجمه «تحت اللفظی» در برابر «آزاد» دور ساخت و آن را به دوره ای تازه وارد نمود. مفاهیم تعادل پویا و تعادل صوری نایدا خواننده را در قلب معادله ترجمه قرار می دهد و تأثیر چشمگیری بر نظریه پردازان بعدی داشته است.

کتفورد واژه جابجایی را در تعریف خود از ترجمه به کار گرفته و این واژه خود ناشی از قرابت فرهنگی کشورهای اروپایی است. البته در هنگام جابجایی یا همان جایگزینی معادل واژه، گاه اختلافاتی در میان زبانهایی با ریشه های مختلف و گاه حتی با ریشه های مشترک به لحاظ تفاوت نظامهای زبانی و ساختارهای دستوری روی می دهد و ترجمه های مختلفی بروز می کند که با صرف نظر از جزئیات آنها را به سه مورد تقسیم می کند. کتفورد هم

مانند رومان یاکوبسن ترجمه را به سه گونه عمده تقسیم کرد ترجمهء کامل در مقابل ترجمهء ناقص، ترجمهء کلی در مقابل ترجمهء محدود و ترجمهء آزاد در مقابل ترجمهء وابسته. وی در «ترجمهء کامل» و «ترجمهء ناقص» میزان و موارد متن ترجمه شده و متن ترجمه نشده را یکی از عوامل تقسیم بندی ترجمه می داند. و در «ترجمهء کلی» و «ترجمهء محدود» امر جایگزینی و اعمال آن در همهء سطوح زبان شناسی را یکی از عوامل تقسیم بندی نظریهء خویش در مورد ترجمه بر می شمارد. و در «ترجمهء آزاد» و «ترجمهء وابسته» امر انتقال پیام و معنای متن مبدأ به متن مقصد را یکی از عوامل تقسیم بندی نظریهء خویش در مورد ترجمه بر می شمارد. علی الرغم از آنکه نظریهء کتفورد تأثیری بسزا در ترجمه و پیشرفت آن بر جای گذارده است؛ و با این همه، تحلیل او از دگرگونیهای درون نظامی پاره ای ضعفهای رویکرد وی را فاش می سازد. کتفورد نظامهای حرف تعریف انگلیسی و فرانسوی را در متون کوتاه و همتراز، مورد مقایسه قرار می دهد و نتیجه می گیرد^{۷۸}. و در تأیید گفتارش می گوید «تعادل ترجمه به کلی بر تناظر صوری منطبق نیست». این گفتهء به ظاهر علمی در مورد احتمالات که تمامی رویکرد کتفورد را مشخص می سازد و با علاقه روزافزون به ترجمه ماشینی در آن زمان مرتبط است، بعدها به دلیل وجود رویکرد زبانی تطبیق ایستا، مورد انتقاد شدیدی بسیاری از صاحب نظران، از جمله دلیس (۱۹۸۲) واقع می شود. از دیگر انتقاداتی که به نظریه کتفورد وارد شده آن است که مثالهای مطروحه تقریباً همگی آرمانی (یعنی ابداعی هستند و از ترجمه های واقعی اخذ نشده اند) و بافت زدایی شده هستند^{۷۹}.

نیومارک هم بر تأکید بر انتقال معنای متن از زبانی به زبان دیگر و پایه گذاری تعریفش از ترجمه بر روی این تعابیر هدف از ترجمه را صرفاً انتقال معنا و مفهوم می داند و ترجمه را بنا به نحو انتقال معنا و مفهوم به دو روش ترجمه ارتباطی و ترجمه معنایی تقسیم می

کند. که در روش ارتباطی به خواننده ترجمه و زبان مقصد اهمیت بیشتری داده می شود، اما در روش معنایی به نویسنده و ساختارهای دستوری زبان مبدأ اهمیت بیشتری داده می شد. سپس وی خاطر نشان می کند که انتخاب هر یک از دو روش مزبور به دست مترجم نیست بلکه این امر به گونه متن پیوندگی دارد. نیومارک نیز سخنی در باره واحد ترجمه ارائه داد و اعتقاد داشت که هر چه واحد ترجمه کوچکتر باشد، ترجمه را به اصل نزدیکتر می باشد و تصویری دقیق تری از واقعیت متن به ما می دهد، ولی آنجا نباید چشم پوشید که واحد ترجمه کمیتی ثابت نیست و در خلال ترجمه مدام تغییر می کند. تعادل گاه در سطح ساختار، گاه در سطح مقصود نویسنده برقرار می شود. مترجم گاه مجبور است جمله ای را در سطح جمله و جمله بعد را در سطح کلمه ترجمه کند یا اینکه در ترجمه بخشی از جمله، واحد ترجمه را گروه و در ترجمه بخشی دیگر واحد ترجمه را کلمه انتخاب کند. خلاصه مطلب هر چه دو زبان از هم دورتر باشند، واحد ترجمه ضرورتاً بزرگتر است.^{۸۰} از سوی دیگر انتخاب واحد ترجمه لااقل به سه عامل بستگی دارد: نوع متن، مخاطب ترجمه و قابلیتها و محدودیتهای نحوی و معنایی زبان مقصد.^{۸۱} برای مثال در ترجمه متون علمی واحد ترجمه عموماً کلمه است ولی در ترجمه گفتگوهای متون نمایشی یا رمانها، مترجم برای اینکه ترجمه را روان در بیاورد، ناگزیر است در بسیاری از موارد واحد ترجمه را گروه یا بند یا جمله انتخاب کند. با نگاهی بیشتر چنین بر می آید که نیومارک از خط خواننده مدار ناپیدا فاصله می گیرد، چون احساس می کند که تأثیر معادل موفقیتی واهی کسب کرده و نیز تعارض میان وفاداری ها یعنی شکافی که بین تأکید بر زبان مبدأ و تأکید بر زبان مقصد وجود دارد، همیشه به مثابه مشکل درجه یک ترجمه در نظریه و در عمل باقی می ماند. وی پیشنهاد می کند که با جایگزین ساختن اصطلاحات ترجمه معنایی و ترجمه ارتباطی می توان شکاف یادشده را کمتر نمود.^{۸۲} وی نیز در باره واحدهای ترجمه نیومارک را به خاطر تجویزگرایی شدیدی که دارد، مورد انتقاد قرار داده اند و زبان ارزشیابی هایش هنوز هم حاوی همان چیزی است که خودش آن را دوره پیش زبانی شناسی مطالعات ترجمه می نامد که ترجمه ها یا روان بودند و یا خام دستانه، در حالی که خود ترجمه (اگر معنایی باشد) هنر است و (اگر ارتباطی باشد) فن است.^{۸۳}

الگوی وینه و داربلنه طی سالیان متمادی تأثیری چشمگیر بر نظریهء ترجمه داشته است. ایشان زبانهای انگلیسی و فرانسوی را مورد تحلیل نحوی تطبیقی قرار داده اند. واز راه بررسی متون موجود در این دو زبان متوجه تفاوتهای میان دو زبان شدند. ویر این اساس ترجمه را به دو گونه کلی تشخیص دادند، که عبارتند از «ترجمهء صریح» و «ترجمهء ضمنی» است. که شبیه تقسیم بندی ترجمه «تحت اللفظی» در برابر ترجمه «آزاد» است. تأثیر طبقه بندی کلاسیک وینه و داربلنه امروز هم وجود دارد و آشکار ساختن فنون مختلف ترجمه، بسیار مفید بوده است. با وجود این، الگوی اینان همانند الگوی کتفورد که در دههء ۱۹۶۰ از رویکرد زبانی تقابلی نظام مند در ترجمه بهره برد. مهمتر از همه اینکه اگر چه وینه و داربلنه مدعی هستند فرآیند را توصیف نموده اند، در حقیقت یک الگوی زبانی ایستاست. در پایان الگوی آنان در واقع بر (ثمرهء ترجمه) تأکید می کند^{۸۴}. چون در اینجا نه ترکیب موضوعات گفتمان سطح بالا وجود دارد و نه روش توصیف تأثیر تغییراتی که بر خواننده اعمال می شود.

نظریهء اسکوپوس بخشی از الگوی ترجمه است که هولز مانناری آنرا پیشنهاد نمود، و ترجمه سودآور حرفه ای را در بافت اجتماعی- فرهنگی قرار داد. سپس ورمیر و خانم کاتارینا رایس آن را پیشرفت نمودند و به عنوان «نظریهء اسکوپوس» ارائه کردند. در این نظریه ایشان تأکید میکند که مترجم قبل از اقدام به ترجمهء هر متن باید اول بداند که چرا متن مبدأ بایستی ترجمه شود و نقش متن مقصد چیست، و بنا بر این باید تدابیری اتخاذ کرد تا نتیجه ای عملاً مناسب و مطلوب به دست آید. در این نظریه، راهبرد ترجمه را نقش متن مقصد در فرهنگ مقصد معلوم و تعیین می نماید. در این نظریه متن مبدأ، عزل می شود و ترجمه نه با تعادل معنایی اش، بلکه با بسندگیش نسبت به هدف نقشمند موقعیت متن مقصد که سفارش تعیین می کند، مورد قضاوت قرار می گیرد. این نظریه علی الرغم از آنکه بسیار تأثیر گذار در جهان ترجمه بود، هم مانند دیگر نظریات ترجمه مورد انتقاد بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است. از جمله انتقادات آن است که این نظریه نمی توان در ترجمهء متون ادبی بکار برد زیرا متون ادبی مراد و مقصود خاصی ندارند و نیز از سبک بسیار پیچیده برخوردارند. از سوی دیگر نظریهء مزبور نه به ماهیت زبانی متن مبدأ توجه کافی دارد و نه به بازآفرینی مشخصه های ریز سطح در متن مقصد. حتی اگر

اسکوپوس به قدر کافی تحقق یابد، باز هم این امکان وجود دارد که این مقصود در سطح سبک یا سطح معنی در برخی از قطعات متن ناکافی و نارسا باشد.^{۸۵} روش خواننده محوری که ورمیر پیشنهاد می کند مورد مخالفت کسانی واقع شده که پای بندی به متن اصلی را قانون اخلاقی تغییر ناپذیر متوجه می دانند. کریستن نورد که خود از هواداران نظریه اسکوپوس است نقصی اخلاقی در نظریه مزبور می بیند و با تجدید نظر در مفهوم پای بندی می کوشد این نقص را جبران کند، او نظریه تجدیدنظر شده اسکوپوس را (اسکوپوس به اضافه پایبندی) می نامد.^{۸۶} نقصی که نورد در این نظریه می یابد این است که اگر متن طبق هدف خاصی ترجمه شود مترجم نمی تواند ولو اینکه سفارش دهنده ترجمه بخواهد در چارچوب فرهنگی خاص، هر هدفی را برای ترجمه هر نوع متن انتخاب کند.

ونوتی نیز مانند سایر نظریه پردازان فرهنگی سخت معتقد است که حیطة مطالعات ترجمه نیاز به گسترده شدن تا برای ماهیت ارزشمدار چارچوب اجتماعی - فرهنگی، اهمیت قائل شود. او ترجمه را به دو روش (غرابت زدایی و آشنایی زدایی) تقسیم می کند. شایان ذکر است که ونوتی ریشه دو روش مزبور از مقاله اشلایر ماخر در ۱۸۱۳ با عنوان «در باب روشهای مختلف ترجمه» بر گرفته است.^{۸۷} در روش آشنایی زدایی مترجم هیچ دخل و تصرف در متن ندارد و خواننده را به سوی متن مبدأ سوق می دهد، اما در روش غرابت زدایی مترجم به خود اجازه می دهد در متن دخل و تصرف کند و متن را به سوی خواننده سوق می دهد به طوری که خواننده در هنگام خواندن متن احساس نمی کند که دارد متن ترجمه شده می خواند. یا به عبارت دیگر شکل متن اصلی را زایل می کند، اما معنی را به شکل جدیدی باز سازی می نماید. به طوری که تمام متن دگرگون می سازد تا مطالب بیگانه خارج شوند و متن کاملاً با انتظارات فرهنگ مقصد منطبق گردد.

نتیجه گیری

۱. مطالعات ترجمه، که نظریه های ترجمه شاخه ای از آنها به حساب می آید عرصه پژوهشی نسبتاً تازه ای در دانشگاه هاست که در سالهای اخیر به طرز انفجاری گسترش یافته است. در حالیکه ترجمه سابق براین به عنوان روش زبان

- آموزی یابخشی از ادبیات تطبیقی و کارگاههای ترجمه و دوره های زبان شناسی تطبیقی مورد مطالعه قرار می‌گردد.
۲. بخش اعظم نظریه ترجمه از سیسرو تاسده بیستم بر این مبحث تکراری و بی حاصل متمرکز شده است که ایا ترجمه باید تحت اللفظی (لغت به لغت) یا آزاد (مفهوم به مفهوم) باشد.
۳. باشد یا به عبارت دیگر در گذشته هر مترجمی که اقدام به ترجمه می کرد کار ترجمه اش
۴. را با یک پرسش کلی آغاز می کرد و آن این بود که ترجمه باید به روش آزاد انجام شود یا روش تحت اللفظی .
۵. اختلاف نظر در ترجمهء کتاب مقدس انجیل و دیگر متون مذهبی مدت اصلی نظریهء ترجمه بود.
۶. مترجم باید با همهء نظریه های ترجمه آگاه باشد، تا نتیجهء کار او سودمن تر و درست تر باشد. و نیز وی ناگذیر نیست از یک نظریه پیروی کند که در میان مترجمان نظریهء غالب در ترجمه به حساب می آید. چون انتخاب نظریهء ترجمه بستگی به مخاطب و به نوع متن دارد. انتخاب نظریه وقتی درست است که ترجمه برای خواننده سودمند باشد، و متن ترجمه شده با نوع متن اصلی تناسب داشته باشد.
۷. پژوهنده بر این باور است که دانشگاهها که مسئلهء یاد دادن زبان های خارجی را بر عهده دارند باید موضوع نظریه های ترجمه را به دانشجویان خود بدهد، چون نظریه های ترجمه فضای بیشتری به آنان برای فهم منظور نویسنده و رساندن آن به خواننده می دهند.
۸. فلسفهء ارائهء تعریف از یک پدیده آن است که بتوان ماهیت و چگونگی آن پدیده را به روشنی معین کرد، ولی گاه ممکن است تعاریف به عمل آمده از یک پدیده به علت وجود اصطلاحات و عناصری که خود نیاز به تعریف و شناسائی دارند نتوانند در شناسائی ماهیت پدیدهء مورد نظر راهبرد واقع بشوند. مثلاً تعاریفی که نظریه پردازان در صفحه های پیش ارائه داده اند متضمن اصطلاحات از قبیل (معادل طبیعی)، (معنا)، (پیام) و (معادل) و غیره خود نیاز به تعریف دارند.

۹. همهء نظریات غربی پیرامون ترجمه که ذکر شده است معمولاً به دو نوع کلی لفظ گرا و مقصود گرا تقسیم می شود. نوع اول را باعناوین مختلف «لفظ به لفظ»، «لغوی»، «تحت اللفظی»، «صوری»، «نقل به لفظ»، «آشنا زدا» و نوع دوم را باعناوین مختلف «ارتباطی»، «نقل به معنی»، «آزاد»، «غرابت زدا» و غیره می شناسند.

۱۰. علی الرغم از آنکه نظریات ترجمه که ذکر شده است به نظر پژوهنده به عنوان مهمترین نظریات غربی پیرامون ترجمه در نیمهء دوم از قرن بیستم بودند، ولی پژوهنده اعتقاد

۱۱. دارد که آنان نظریات جزء نگر هستند و هیچ یک از آنان به عنوان نظریه ای کل نگر نیست، و این گویای این واقعیت است که کار ترجمه کار خیلی سر سخت و پیچیده است به طوریکه نمی توان همهء مسائل آن در یک نظریه ای گنجانده شود.

۱۲. رومن یاکوبسن به معضل درد سرفرین تعادل معنی میان لغات زبانهای مختلف توجه می کند. وی خاطر نشان می کند که طبق معمول هیچ تعادل کاملی میان واحدهای رمزی وجود ندارد.

۱۳. نیدا اصطلاح «هم ارز بودن» را در مقابل «یکسان بودن» مطرح می سازد و معتقد است که در ترجمه هم ارز بودن متن اصلی و متن ترجمه شده به مراتب مهم تر از یکسان بودن آنهاست. یکسان بودن، اصطلاحی است که در نظرها و نظریه های ترجمه مبتنی بر زبان شناسی مورد استفاده قرار می گیرد و به معنای وجود تعادل یک به یک بین واحدهای ترجمه اعم از واژه، جمله و یا پاراگراف و متن است، حال آنکه هم ارز بودن، حوزهء زبان فراتر می رود و تعادل را بین ویژگیهای فرازبانی در ترجمه یعنی موقعیت و بافتار متن مبدأ و متن مقصد و نیز تأثیر آن بر مخاطبان دو جامعهء زبانی متفاوت برقرار می سازد که طبعاً مستلزم تعادل یک به یک بین واحدهای متن اصلی و ترجمه آن نیست.

۱۴. دستاورد بزرگ نایدا آن بود که نظریهء ترجمه را از بحث بیهودهء ترجمهء تحت اللفظی در برابر آزاد دور ساخت و آن را به دورهء تازه وارد نمود. مفاهیم تعادل پویا و تعادل صوری نایدا خواننده را در قلب معادلهء ترجمه قرار می دهد و تأثیر چشمگیری بر نظریهء

١٥. پردازان بعدی داشته است.
١٦. نظریهء وینه ودارلنه بر ثمرهء ترجمه تأکید می کند. در اینجا نه ترکیب موضوعات گفتمان سطح بالا وجود دارد و نه روش توصیف تأثیر تغییراتی که بر خواننده اعمال می شود.
١٧. پیتر نیومارک بامطرح کردن ترجمهء معنایی در برابر ترجمهء پیامی همان مبحث کهن ترجمهء تحت اللفظی و ترجمهء آزاد را به میان کشید، و بامعیارهای دقیقتر زبان شناختی آن را توضیح داد. وی با بیان این مطلب که برخی ترجمه ها خواننده را به دنیای نویسنده می برند (ترجمه معنایی) و برخی دیگر، بر عکس، نویسنده را به دنیای خواننده می
١٨. آورد (ترجمه پیامی) الگوی روشنی از دو قطب ترجمه به دست داد. وی به این نتیجه رسید که برخی از متون اقتضا می کند، بخشی از متن به صورت معنایی و بخشی دیگر به صورت ارتباطی ترجمه شود.
١٩. نظریهء اسکوپوس مبتنی بر دو اصل است: یکی آن که عمل انسان تابع هدف آن است. و دیگر آنکه هدف با توجه به مخاطب تغییر می کند.
٢٠. طبق نظریهء اسکوپوس ترجمه صرفاً یک واقعهء زبانی نیست بلکه اساساً انتقال بین دو فرهنگ است و لذا مترجم باید نه فقط صاحب دو زبان بلکه صاحب دو فرهنگ باشد. از آنجا که ترجمه با دو فرهنگ متفاوت و در برخی موارد ارتباط آنها متضاد هم هستند، مترجم در حین ترجمه ترجمه گاه با مشکلاتی مواجه می شود. در این حالت وی به عنوان واسطه بین دو فرهنگ مختلف، باید به گونه ای عمل کند که از یک سو محتوی و پیام متن مبدأ را منتقل کند و از سوی دیگر ترجمهء متن و مقولات فرهنگی موجود در آن در تضاد و تقابل با دیدگاه فرهنگی جامعهء مخاطب قرار نگیرد.
٢١. لارنس ونوتی دو راهبرد (غرابت زدایی) و (آشنایی زدایی) را مورد بحث قرار می دهد و راهبرد (آشنایی زدایی) را با سیاست مقاومت در برابر ارزشهای قوم مدارانهء خشن و سلطه گرانهء ناشران و منتقدان، مورد حمایت و تأیید قرار می دهد.

Abstract***The Most Important Western Theories of Translation in the Second Half of the Twentieth Century***

Key Words: theories, translation, western
Assistant. Instructor Mahdi Ahmed Hussein
University of Diyala
Department of Legal Affairs

This study deals with the most important theories of translation, in the second half of the twentieth century, that had a great effect on the development of the art of translation.

Chapter one includes a summary of the history and development of western theories of translation. Chapter two includes the most important theories of translation, in the second half of the twentieth century, and their great role in developing translation. The last chapter introduces an analytical and critical study of those theories and identifying their positive and negative sides.

The researcher concluded that the translator must try to be acquainted with all or most of those theories of translation because of its importance in making and his career more successful and beneficial. Also, the translator must not be committed to follow only one theory in all his translations because following one of the theories must be according to many factors such as the nature of the text and the aim of translating it. The researcher also concluded that the curriculum, in universities and colleges concerned with teaching foreign languages, must contain principles of translation because they help the translator in understanding the text so as to achieve the aim of translation and that is transferring the text, with all its concepts and linguistic meanings, from one language into another.

پاورقیها و حواشی

-
- ١ - نگاه کنید صفوی، کوروش، هفت گفتار در باره ترجمه، تهران، مرکز نشر، چاپ، یازدهم، ١٣٩٢، ص ٣٩.
- ٢ - نگاه کنید کنتزلر، ادوین، نظریه های ترجمه در عصر حاضر، ترجمه علی صالح جو، هرمس، تهران، چاپ اول، ١٣٨٠، ص ٧.

- ٣ - نگاه كنيد على المناع، فيصل المناع، الترجمة تأريخها نظرياتها تطبيقاتها، دار السياب، لندن، الطبعه الاولى - ٢٠٠٨، ص ٣٠.
- ٤ - نگاه كنيد بزيل هتيم، جرمى ماندى، مرجعى پيشرفته برآى ترجمه، ترجمه مريم، جابر، سمت، تهران چاپ اول - ١٣٨٨، ص ٣٠.
- ٥ - همان منبع قبلى، ص ٣٠.
- ٦ - ماندى، جرمى، آشنايى با مطالعات ترجمه، نظريه ها و كاربردها، ترجمهء حميد كاشانى، تهران، مؤسسهء رخ، ١٣٨٤، ص ١١.
- ٧ - همان منبع قبلى، ص ١١.
- ٨ - حقانى، نادر، نظر ها و نظريه هاى ترجمه، ص ٢٣.
- ٩ - حقانى، نادر، نظر ها و نظريه هاى ترجمه، ص ٢٤.
- ١٠ - پور جوادى، نصر الله، در بارهء ترجمه، مركز نشر دانشگاهى، تهران - ١٣٦٦، ص ٣٩.
- 11- Eugene Nida. Toward a Science of Translating. Leiden.1964.pp.15-16
- 12-Eugene Nida. Toward a Science of Translating. Leiden.1964.p.28
- 13- Peter Newmark.Approache.to Translating.Oxford.1984.p.12.
- 14- Eugene Nida. Toward a Science of Translating. Leiden.1964.p.2.
- ١٥ - كنتزلى، ادوين، نظريه هاى ترجمه در عصر حاضر، ص ٧٣.
- ١٦ - ماندى، جرمى، آشنايى با مطالعات ترجمه، نظريه ها و كاربردها، ص ٨٨.
- ١٧ - همان منبع قبلى، ص ١٧٢.
- ١٨ - حقانى، نادر، نظر ها و نظريه هاى ترجمه، ص ٤٣.
- ١٩ - همان منبع قبلى، صص ٤٣-٤٤.
- ٢٠ - حقانى، نادر، نظر ها و نظريه هاى ترجمه، ص ٤٤.
- ٢١ - كنتزلى، ادوين، نظريه هاى ترجمه در عصر حاضر، ص ٧٣.
- ٢٢ - ساعدى، كاظم لطفى پور، در آمدى به اصول و روش ترجمه، تهران، مركز نشر دانشگاهى - ١٣٧١، ص ٧٣.
- ٢٣ - ماندى، جرمى، آشنايى با مطالعات ترجمه، نظريه ها و كاربردها، ص ٨.
- ٢٤ - ماندى، جرمى، آشنايى با مطالعات ترجمه، نظريه ها و كاربردها، ص ٤٤.
- ٢٥ - همان منبع قبلى، ص ٤٥.
- ٢٦ - همان منبع قبلى، ص ٤٥.

- ٢٧ - ماندی، جرمی، آشنایی با مطالعات ترجمه، نظریه ها و کاربردها، ص ٤٦.
- ٢٨ - پور جوادی، نصر الله، در باره ترجمه، ص ١٥.
- ٢٩ - صلح جو، علی، گفتمان و ترجمه، نشر مرکز، تهران- ١٣٧٧، ص ٥٨.
- ٣٠ - نگاه کنید بزیل هتیم، جرمی ماندی، مرجعی پیشرفته برای ترجمه، ص ٨٥.
- ٣١ - همان منبع قبلی، ص ٦٥.
- ٣٢ - نگاه کنید لطفی پور ساعدی، کاظم، در آمدی به اصول و روش ترجمه، ص ٦٦.
- ٣٣ - نگاه کنید بزیل هتیم، جرمی ماندی، مرجعی پیشرفته برای ترجمه، ص ٦٥.
- ٣٤ - نگاه کنید ادوین کنتزلی، نظریه های ترجمه در عصر حاضر، ص ٧٥.
- ٣٥ - همان منبع قبلی، ص ٧٦.
- ٣٦ - صلح جو، علی، گفتمان و ترجمه، ص ٦٣.
- ٣٧ - صلح جو، علی، گفتمان و ترجمه، صص ٦٣-٦٤.
- ٣٨ - همان منبع قبلی، ص ٦٤.
- ٣٩ - همان منبع قبلی، ص ٦٤.
- ٤٠ - ماندی، جرمی، آشنایی با مطالعات ترجمه، نظریه ها و کاربردها، ص ٤٠.
- ٤١ - نگاه کنید بزیل هتیم، جرمی ماندی، مرجعی پیشرفته برای ترجمه، ص ٥٤.
- ٤٢ - نگاه کنید لطفی پور ساعدی، کاظم، در آمدی به اصول و روش ترجمه، ص ٧٠.
- ٤٣ - همان منبع قبلی، ص ٧٠.
- ٤٤ - نگاه کنید جرمی، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ١٧١.
- ٤٥ - نگاه کنید لطفی پور ساعدی، کاظم، در آمدی به اصول و روش ترجمه، ص ٧.
- ٤٦ - همان منبع قبلی، ص ٧٢.
- ٤٧ - ناظمیان، رضا، روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی، سمت، ١٣٨٩، چاب پنجم، ص ١٤٥.
- ٤٨ - حقانی، نادر، نظر ها و نظریه های ترجمه، ص ٤٤.
- ٤٩ - نگاه کنید لطفی پور ساعدی، کاظم، در آمدی به اصول و روش ترجمه، ص ٦٦.
- ٥٠ - نگاه کنید معروف، یحیی، فن ترجمه اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی، ص ٣٣.
- ٥١ - نگاه کنید علائی، مهدی، بحث در باره ترجمه ء آزاد و ترجمه ء دقیق، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، اسفند ١٣٧٧، ص ٢٠٢.
- ٥٢ - نگاه کنید داکلاس رابینسون، مترجم شدن، ترجمه رضی خدادادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران- ١٣٨٠، ص ٦٩.

- ٥٣ - ناظميان، رضا، روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی، سمت، ١٣٨٩، چاپ پنجم، صص ٢٣-٢٤.
- ٥٤ - نگاه کنید لطفی پور ساعدی، کاظم، در آمدی به اصول و روش ترجمه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ١٣٧١، چاپ اول، ص ٧٤.
- ٥٥ - ناظميان، رضا، روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی، ص ٢٣.
- ٥٦ - خزاعی فر، علی، ترجمهء متون ادبی، سمت، چاپ هفتم، تهران-١٣٨٨، ص ٣٢.
- ٥٧ - نگاه کنید جرمی، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٨٠.
- ٥٨ - نگاه کنید کمالی، محمد جواد، اصول فن ترجمه، انتشارات سمت، چاپ پنجم-١٣٩٣، ص ٢٠.
- ٥٩ - نگاه کنید جرمی، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٦٨.
- ٦٠ - نگاه کنید جرمی، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٦٨.
- ٦١ - حقانی، نادر، نظر ها و نظریه های ترجمه، ص ٤٢.
- ٦٢ - نگاه کنید جرمی، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٦٩.
- ٦٣ - خزاعی فر، علی، ترجمهء متون ادبی، ص ٣٢.
- ٦٤ - خزاعی فر، علی، ترجمهء متون ادبی، ص ٢٩.
- ٦٥ - نگاه کنید جرمی، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٩٤.
- ٦٦ - نگاه کنید جرمی، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٩٥.
- ٦٧ - همان منبع قبلی، ص ٩٦.
- ٦٨ - نگاه کنید جرمی، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ١٧٣.
- ٦٩ - همان منبع قبلی، ص ١٧٣.
- ٧٠ - نگاه کنید خلیل رشیدی، استراتژیهای ترجمه، مترجم شماره ٢٠، ص ٢١. (بدون ذکر محل و سال چاپ).
- ٧١ - نگاه کنید علی خزاعی فر، روشهای ترجمه، مترجم شماره ٤٢، ص ٣٩. (بدون ذکر محل و سال چاپ).
- ٧٢ - همان منبع قبلی، صص ٤١-٤٣.
- ٧٣ - نگاه کنید علی خزاعی فر، روشهای ترجمه، مترجم شماره ٤٢، ص ٧٤.
- ٧٤ - نگاه کنید جرمی، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٥١.
- ٧٥ - صلح جو، علی، گفتمان و ترجمه، ص ٦٧.
- ٧٦ - همان منبع قبلی، ص ٥٢.
- ٧٧ - حقانی، نادر، نظر ها و نظریه های ترجمه، ص ٦٩.

- ٧٨ - نگاه كنيد جرمي، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٧٥.
- ٧٩ - نگاه كنيد همان منبع قبلي، ص ٧٥.
- ٨٠ - خزاعي فر، علی، ترجمهء متون ادبی، ص ٣٣.
- ٨١ - همان منبع قبلي، ص ٣٣.
- ٨٢ - نگاه كنيد جرمي، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٥٤.
- ٨٣ - همان منبع قبلي، ص ٥٤.
- ٨٤ - جرمي، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٨٤.
- ٨٥ - نگاه كنيد جرمي، ماندی، آشنایی با مطالعات ترجمه نظریه ها و کاربردها، ص ٨٤.
- ٨٦ - همان منبع قبلي، ص ٨٤.
- ٨٧ - همان منبع قبلي، ص ١٧٣.

منابع و مأخذ فارسی و عربی

- بزیل هتیم، جرمي ماندی، مرجعی پیشرفته برای ترجمه، ترجمه، مریم جابر، سمت، تهران، چاپ اول - ١٣٨٨.
- پور جوادی، نصر الله، در باره ترجمه، مرکز نشر دانشگاهی، تهران - ١٣٦٦.
- حقانی، نادر، نظر ها و نظریه های ترجمه، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ١٣٨٦.
- خزاعي فر، علی، ترجمهء متون ادبی، سمت، چاپ هفتم، تهران - ١٣٨٨.
- خزاعي فر، علی، روشهای ترجمه، مترجم شماره ٤٢ (بدون ذکر محل و سال چاپ).
- خلیل رشیدی، استراتژیهای ترجمه، مترجم شماره ٢٠ (بدون ذکر محل و سال چاپ).
- داکلاس رابینسون، مترجم شدن، ترجمه رضی خدادادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران - ١٣٨٠.
- ساعدی، کاظم لطفی پور، در آمدی به اصول و روش ترجمه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی - ١٣٧١.
- صفوی، کوروش، هفت گفتار در باره ترجمه، تهران، مرکز نشر، چاپ یازدهم، ١٣٩٢.
- صلح جو، علی، گفتنمان و ترجمه، نشر مرکز، تهران - ١٣٧٧.
- علائی، مهدی، بحث در باره ترجمهء آزاد و ترجمهء دقیق، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، اسفند ١٣٧٧.

- على المناع، فيصل المناع، الترجمة تأريخها نظرياتها تطبيقاتها، دارالسياب، لندن، الطبعه الاولى، ٢٠٠٨
- كمالي، محمد جواد، اصول فن ترجمه، انتشارات سمت، چاپ پنجم-١٣٩٣.
- كنتزلى، ادوين، نظريه هاى ترجمه در عصر حاضر، ترجمهء على صالح جو، هرمس، تهران، چاپ اول، -١٣٨٠.
- ماندى، جرمى، آشنايى با مطالعات ترجمه، نظريه ها و کاربردها، ترجمهء حميد كاشانى- تهران، مؤسسهء رخ ١٣٨٤.
- معروف، يحيى، فن ترجمه اصول نظرى و عملى ترجمه از عربى به فارسى و فارسى به عربى، تهران-١٣٨٠.
- ناظميان، رضا، روشهايى در ترجمه از عربى به فارسى، سمت، ١٣٨٩، چاپ پنجم.

منابع و مأخذ انگليسى

- 1-Peter Newmark. Approche. to Translating. Oxford. 1984.
- 2-Eugene Nida. Toward a Science of Translating. Leiden. 1964